

نقش مشارکت شهروندان در ارتقای کیفیت خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر زاهدان)

نظیر احمد هاشم‌زهی

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

غلامرضا میری^۱

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

معصومه حافظ‌رضازاده

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

چکیده

یکی از مباحثی که در دوران جدید مورد توجه قرار گرفته نقش مشارکت‌های شهروندی در عملکرد مدیریت شهری در کلیه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و... می‌باشد. امروزه مشارکت شهروندی به عنوان پدیده‌ای که نقش گرفته از سیاست‌ها و رویکردهای مدیران رده بالای سازمانی و شهری می‌باشد، از جمله عوامل ساخته شده به وسیله منابع انسانی (سرمایه‌های انسانی) است که نقش مهمی در تحول نظام مدیریتی شهرها و ارتقای کیفیت زندگی بر مبنای سنجش نیازهای شهروندان دارد. این مقاله درصدد آن است که با بررسی و سنجش رابطه بین مشارکت شهروندان و فعالیت‌های افراد در امور شهری و کیفیت خدمات شهری به این سوالات پاسخ دهد که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری جوامع امروز چیست و این مشارکت‌ها از چه سازوکار در رویه‌های اجتماعی تبعیت می‌کند و از این طریق چه پیامدهایی مثبتی برای مدیریت شهری حاصل می‌گردد و چه عوامل محیطی و یا سازمان‌هایی می‌تواند در جذب هدایت و یا گسترش این مشارکت‌ها موثر باشد. هدف این تحقیق سنجش شاخص‌های تاثیرگذار در بهبود مشارکت محله محور جهت ارتقاء خدمات شهری در شهر زاهدان است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌ها به صورت میدانی از طریق ابزار پرسش‌نامه است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان ساکن در شهر زاهدان بالغ بر ۵۸۷۷۳۰ نفر تشکیل داده‌اند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۲۲ نفر محاسبه شد. بررسی ۵ متغیر قابلیت اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، اطمینان، همدلی و توجه و عوامل ملموس و محسوس نشان می‌دهد که هر ۵ متغیر در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده‌اند. بررسی اختلاف میانگین و آمار تی آزمون تایید نمود که شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و مدیران، اعتماد ندارند. همچنین آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که شاخص‌های شفاف‌سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ معنادار هستند. این مطلب بر تاثیرگذاری این شاخص‌ها بر بهبود مشارکت محله محور اشاره دارد. بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری بیشترین تاثیرگذاری مربوط به شاخص شفاف‌سازی با تبیین ۰/۱۹ سپس احساس تعلق مکانی با ۰/۱۵ است. همچنین آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که مشارکت‌های یدی (اختلاف میانگین ۰/۵۱۰)، مالی (اختلاف میانگین ۰/۶۱۱) و فکری (اختلاف میانگین ۰/۴۸۶) با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تاثیر زیادی می‌توانند در بهبود مشارکت محله محور و ارتقاء کیفیت خدمات شهری داشته باشند.

کلیدواژگان: مشارکت، شهروندان، محله محوری، شهر زاهدان.

مقدمه

بدون تردید یکی از مهمترین رسالت‌ها و دلایل شکل‌گیری و تاسیس شهرداری‌ها، ایجاد یک سازمان واحد جهت مدیریت امور شهرها و ارائه خدمات شهری در راستای بهسازی، توسعه و ارتقا فرهنگ جامعه می‌باشد. با رشد روز افزون جمعیت و توسعه شهرهای کوچک و بزرگ، شهرنشینی شتاب‌زده دهه‌های اخیر در کشورهای روبه توسعه پیامدهای منفی بسیاری همچون افزایش میزان فقر، عدم ارائه مسکن کافی و مناسب، ناکارآمدی خدمات شهری، پیدایش بافت‌های ناکارآمد و مسئله‌دار و مسکن‌های غیرقانونی و از همه مهمتر ویرانی محیط زیست را در پی داشته است. چنانچه شهرها را یک سیستم پویا تلقی کنیم که ورودی و خروجی مشخص دارد جهت اداره‌ی امور آن و یا پردازش ورودی‌ها نیاز به مهارت و فنی می‌باشد که همان (مدیریت شهری) است. بنابراین در مدیریت شهری به بررسی مسائل محیطی می‌پردازد که شهروندان در آن فعالیت می‌کنند و درگیر هستند. هدف مدیریت شهری حفاظت از حقوق شهروندان و فراهم نمودن زمینه‌ای جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، ارتقای شرایط زندگی اقشار ساکن در شهر و به طور کلی دستیابی به شهر ایده‌آل (سبز، پویا، پاک، روان، فرهنگی) می‌باشد. با پیچیدگی شهرهای امروز و تنوع در مطالبات شهروندان به نظر می‌رسد مدیریت شهری نمی‌تواند امری یک جانبه باشد بلکه رابطه‌ای دو سویه میان شهروندان و سیستم مدیریتی شهر است. انسان‌ها شهرها را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آن‌ها تاثیر گذار است و به این خاطر که شهروندان جز جدایی‌ناپذیر شهرها هستند قطعاً اصلاح این رابطه مشارکت آن‌ها را می‌طلبد. تجربیات به دست آمده از برنامه‌ریزی‌های انجام شده و توسعه‌های محلی صورت گرفته در دهه‌های گذشته نشان می‌دهند که عدم مشارکت مردم، سبب به وجود آمدن زیان‌های فراوان شده و جوامع را به سمت توجه به امر مشارکت عمومی سوق داده است (Huang, 2020: 65). رویکرد مشارکت شهروندان در سطح محلات، محله را واحدی اجتماعی - فضایی در مقیاس خرد در نظر می‌گیرد که مدیریت شهری می‌تواند بر پایه آن شکل گیرد و منجر به ایجاد محله‌های پایدار و با هویت بر مبنای دارایی‌های محلی گردد. با توجه به مقتضیات، جامعه شهری و نهادهای محلی شهری، مقامات محلی، شوراهای شهری و به ویژه شهرداری‌ها، در این خصوص نقش، اهمیت و جایگاه خاصی دارند. بنابراین به منظور دستیابی به الگوهای مشارکت شهروندان در امور محلی، ابتدا باید بسترهای پیش شرط‌هایی که لازمه توانمندسازی گروه‌ها و افراد جامعه هستند، شناسایی شوند تا مشارکت واقعی به معنای سهیم شدن در تصمیمات تاثیرگذار بر زندگی فردی و اجتماعی به بار نشیند (غفاری گیلانده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۳-۸۲). برای آنکه رویکرد مشارکت در محله‌های شهری، معنای واقعی به خود بگیرد، بایستی درک درستی از توسعه و توزیع خدمات در مناطق و محله‌های مختلف شهر پیاده و اجرایی شود (Campbell et al, 2009: 463)؛ چرا که توزیع خدمات به صورت عدالت محور یکی از راهکارهای اساسی جلب مشارکت شهروندان در زمینه‌های مختلف است. تحقیقی نشان می‌دهد که هر چه خدمات بهتر و با دسترسی مناسب‌تری در اختیار شهروندان قرار گیرد، آن بخش از جامعه شهری تمایل بیشتری نسبت به مشارکت در عرصه‌های گوناگون توسعه شهری از خود نشان داده اند (Erkip, 1997: 359).

در حقیقت می‌تواند مشارکت شهروندان را به روش‌های گوناگونی جلب نمود، اما بهترین روش‌ها می‌تواند از طریق اعتمادسازی، اطمینان بخشی، عمل به تعهدات، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و مواردی از اینگونه محقق شود (Wang, 2008: 76). بنابراین همه این موارد در نهایت با ارائه خدمات شهری مطلوب به شهروندان، پیامدهای

مثبتی به همراه دارد که یکی از آنها، امکان مشارکت شهروندان در عرصه‌های گوناگون توسعه شهری است. در حقیقت با بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ارتباط با عملکرد مسئولین شهری نسبت به شهروندان، مشارکت در سطوح مختلف از جمله مشارکت محله محوری قابل تحقق است. این نوع مشارکت در نهایت می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات شهری منجر می‌شود؛ چرا که مشارکت شهروندان در زمینه‌های گوناگون، خود تعهداتی شهروندی و شهروندمداری را ایجاد می‌نماید که بخشی از این تعهدات به بخش خدمات شهری مرتبط است. بنابراین با بهبود مشارکت شهروندان به صورت محله محوری، کیفیت خدمات شهری نیز می‌تواند ارتقاء یابد.

در مطالعه حاضر، شهر زاهدان به عنوان شهر مورد مطالعه انتخاب شده است. شهر زاهدان دارای پنج منطقه شهری با جمعیت بالغ بر ۵۸۷۷۳۰ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که به عنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان شناخته می‌شود. این شهر به عنوان قطب جمعیتی و خدماتی استان محسوب می‌شود که جمعیتی زیادی را در خود جای داده است. توسعه این شهر در دهه‌های گذشته بگونه‌ای صورت گرفته است که با مشکلاتی زیادی روبه‌رو است. بخشی زیادی از بافت این شهر به صورت سنتی باقی مانده و نتوانسته متناسب با رشد جمعیت، تغییرات مثبتی را داشته باشد. این عدم رشد هماهنگ با جمعیت، معضلات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را به دنبال داشته است. با توجه به آنچه که بیان شد، بخش زیادی از مشکلات موجود به دلیل عدم مدیریت مناسب در عرصه توسعه شهری است؛ چرا که نوع رویکرد بکارگرفته شده در توسعه این شهر، یک توسعه مبتنی بر درک نیازهای شهروندان و مبتنی بر رویکرد توسعه پایدار نبوده است. برای شهر زاهدان نیز نوع رویکرد بکارگرفته شده بیشتر به صورت مقطعی و حل مسائل به صورت ترمیمی بوده است و کمتر به توسعه شهری در یک نگاه بلندمدت توجه و تاکید شده است. این موضوع در اکثر شهرهای ایران صادق است. در حقیقت ساختار مدیریت شهری در ایران با دارا بودن ویژگیهای غیر مشارکتی، متمرکز، از بالا به پایین، سیاست‌زده، فقدان همگرایی افقی، عدم ارتباط دوسویه مابین سطوح مختلف شهری، دیدگاه‌های نوین مدیریت شهری بر پایه سلول‌های بنیادین شهر (محله) را دچار نقصان آشکاری ساخته است (رضایی و نگین ناجی، ۱۳۹۴: ۶۹) و این موضوع در بلندمدت پیامدهای منفی زیاد به دنبال داشته که شهر زاهدان نیز از این موضوع مستثنی نیست. از این رو آنچه که به نظر می‌رسد در راستای تغییر رویکرد توسعه شهر زاهدان می‌تواند موثر باشد، بهبود مشارکت محله محور است؛ مشارکتی که با درک نیازهای شهروندان، سعی می‌کند آنها را در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت محلات درگیر نماید و بخشی از توسعه شهری را به آنها واگذار نماید. این نوع مشارکت در نهایت می‌تواند تعهدات شهروندی را نسبت به شهر محل زندگی برای شهروندان ایجاد نماید؛ چرا که خود بخشی از برنامه‌ریزی شهری در محلات بوده‌اند. نکته دیگر اینکه توزیع خدمات در این شهر نیز می‌تواند در گروه مشارکت شهروندان باشد؛ چرا که در صورت مشارکت شهروندان، توزیع خدمات شهری نیز از نظر کمی و کیفی، شکل بهتری به خود می‌گیرد. بنابراین در این تحقیق هدف بررسی شاخص‌های موثر در بهبود مشارکت محله محور در شهر زاهدان و در نهایت ارتقاء کیفیت خدمات شهری با بهبود و تاثیرگذاری این شاخص‌ها است. سوالات تحقیق نیز به شرح ذیل است.

چه شاخص‌هایی در بهبود مشارکت محله محور در شهر زاهدان تاثیرگذار هستند؟

انواع مشارکت‌های یدی، مالی و فکری در بهبود مشارکت محله محور در شهر زاهدان چه تاثیردارند؟

آیا میان مناطق شهر زاهدان از شاخص‌های مختلف در بهبود مشارکت محله محور تفاوت معناداری وجود دارد؟ در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و نوع کاربردی است. این تحقیق براساس گردآوری داده‌های میدانی است. ابزار گردآوری داده‌های میدانی از طریق ابزار پرسش نامه محقق ساخته بوده است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان شهر زاهدان تشکیل داده‌اند که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، بالغ ۵۸۷۷۳۰ نفر و ۱۴۶۷۱۷ خانوار بوده است. این جامعه آماری در ۵ منطقه شهری پراکنده شده‌اند. بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری برای جامعه آماری در سطح فرد به تعداد ۳۲۲ نفر محاسبه شد. پرسشگری در سطح فرد انجام گرفت. روایی تحقیق از طریق جامعه نخبگان انجام شد. با توجه به لزوم توجه به پایایی تحلیل‌ها در پرسشنامه‌های مورد نظر، میزان این شاخص با استفاده از آمار آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که میزان آن برابر با ۰/۸۰ و بیشتر از ۰/۷۰ محاسبه شده که قابل قبول است. روش تعیین حجم نمونه در هر منطقه، بر اساس نسبت جمعیتی بوده است و در حقیقت متناسب با جمعیت هر منطقه شهری، حجم نمونه مشخص شد. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای بوده است اما نمونه‌گیری در سطح افراد نمونه، به صورت تصادفی (اتفاقی) بوده و هر یک از افراد شانس یکسانی جهت مشارکت در تحقیق را داشته‌اند. در این تحقیق از آزمون‌های آماری در نرم افزار spss جهت تحلیل‌ها و همچنین معادلات ساختاری در نرم افزار AMOS استفاده شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه

متغیر	گویه	مقدار ضریب آلفای کرونباخ	ضریب کل
کیفیت خدمات شهری	۲۲	۰/۸۰	۰/۸۰
شفاف سازی نهادها	۸	۰/۸۳	
توانمندسازی جامعه محلی	۱۱	۰/۸۲	
پایگاه اقتصادی	۶	۰/۷۹	
بسترهای ارزشی	۱۱	۰/۸۴	
احساس تعلق مکانی	۷	۰/۷۷	
مشارکت های یدی، مالی و فکری	۱۵	۰/۷۸	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

مبانی نظری

تعریف مشارکت و محله

مشارکت فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه‌ی مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها و قابلیت و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنها است و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته است و همه از آن به عنوان عنصر مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن رانده‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مرمی است و افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای ایفا کند (همان: ۱۶). چنان که شهرمثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در راس آن و به منظور اداره‌ی امور شهر از فنی استفاده شود که همان مدیریت شهری است.

همچنین محله به عنوان یک محیط فیزیکی تعریف می‌شود تمام امکانات اولیه جامعه مانند مدرسه، زمین بازی و فروشگاه محلی در داخل فراهم شده است (Diyanah and Hafazah, 2012: 205). در تعریف واژه‌های هم پیوند با محله، مبتنی بر بعد اجتماعی آ، مفهوم اجتماع محلی مطرح است. در لغت نامه آکسفورد، اجتماع محلی به معنای مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در یک مکان، ناحیه و یا محدوده مشترک زندگی می‌کنند و ویژگی‌های مشترکی چون مذهب، شغل، نژاد، قومیت و نظایر اینها آنان را با یکدیگر پیوند می‌دهند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸).

مفهوم مشارکت محله محور و شاخص های موثر

مشارکت ساکنان شهر در سطح محلات نقش به سزایی در ارتقا کیفیت زندگی و توسعه پایدار شهری دارد و رویکرد محله محوری بستری مناسب برای مشارکت دادن شهروندان در امور شهری است.

برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی در دهه‌های اخیر به زمینه شناخته شده‌ای تبدیل شده که هم مورد علاقه‌ی کارورزان بوده و هم آکادمیسین‌ها قرار گرفته است. توسعه‌ی اجتماع محلی به طرق مختلفی تعریف شده است. بسیاری از کارورزان توسعه‌ی اجتماع را نتیجه، یعنی مجموعه‌ای از پیشرفت‌های مادی، اجتماعی و اقتصادی می‌دانند، در حالی که غالب آکادمیسین‌ها توسعه‌ی اجتماع محلی را یک فرایند توانایی اجتماعات برای انجام کنش دسته جمعی و ارتقای این توانایی می‌دانند. سعه اجتماعات محلی به مثابه یک فرایند و به عنوان ابزاری در ارتقای مشارکت و حکمروایی مردم سالارانه در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی به کار گرفته می‌شود. در کل، توسعه اجتماع محور را می‌توان به مثابه فرایندی محسوب کرد که به موجب آن گروه‌های اجتماع محلی قادر به کنترل تصمیمات و تخصیص منابع از بالا جهت توسعه محلی شوند (اسکندری ثانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳).

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میادی تاکنون، توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت سازی محلی و تقویت نهادی - سازمانی برای مدیریت فرایند توسعه شهری و در نهایت حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی و سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده. ون دایک با برشمردن نه چالش عمده فراروی مدیریت شهری، در صدر آنها به موضوعاتی از قبیل تغییر نقش حکومت و سطوح آن، شکل‌گیری چارچوب‌های جدید قانونی در نتیجه‌ی تمرکززدایی، ظهور سازمان‌ها و نهاد‌های جدید و اهمیت ظرفیت‌سازی برای مدیریت شهری اشاره می‌کند. به اعتقاد وی در پی تحولات گسترده جهانی، نقش حکومت و سطوح آن به ویژه در کشورهای در حال توسعه، در حال تغییر است. این تحول در قالب تغییر نقش حکومتها از یک تأمین کننده خدمات به تسهیل‌گر، و ایجاد فرصت‌های جدیدی برای مداخله و مشارکت گروه‌های مختلف در روند اجرای امور به وجود می‌آید. بنابراین لزوم استفاده از ظرفیت‌های محله - ای و بازتعریف نقش بازیگران و کنشگران مدیریت شهری در سطح محله‌ای، منجر به شکل‌گیری و اجرای الگویی جدید از مدیریت شهری در سطح محلات به عنوان مدیریت محله محور شده است (نوریان و مظفری‌پور، ۱۳۹۲: ۴۸).

اشکال مشارکت اجتماعی را میتوان به دو صورت مورد مطالعه قرار داد: الف) نهادی (رسمی) که دربرگیرنده‌ی عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است. ب) مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده‌ی دو نوع است: ۱. مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود. ۲. مشارکت

پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی دائم و همیشگی. از جمله شاخص‌های موثر بر مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای را می‌توان به مولفه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. دلبستگی مکانی (واژه‌ی دلبستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند).
۲. رضایتمندی سکونتی (شکاف قابل مشاهده بین آمال و نیازهای ساکنین واقعیت موجود بستر سکونتی آن‌ها)
۳. همبستگی و تعاملات اجتماعی (همبستگی اجتماعی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است)
۴. اعتماد اجتماعی (به عنوان بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و به عنوان بخشی از برهم کنش بین کارگزاران اجتماعی می‌باشد)
۵. آگاهی اجتماعی (اصولاً پیش شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است. آگاهی یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است) (آروین و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۸).

نظریات مشارکت

نظریات مختلفی در زمینه مشارکت وجود دارد که از جنبه‌های مختلف به موضوع مشارکت تاکید نموده اند که از جمله آن می‌توان به نظریه مشارکت جانترنر با محوریت (رابطه دولت‌های مرکزی و مردم)، نظریه مشارکت جیمز میجلی (براساس پاسخ دولت به مشارکت)، نظریه مشارکت شری ارنشتاین (برنامه‌ریزی فرآیندی برای نمایش طیف وسیعی از مشکلات اجتماعی ارتقا شرایط برای تمامی مردم)، نظریه اسکا دیوید سون و دیوید دریسکی براساس ستوه چهار گانه اطلاع رسانی مشاوره، مشارکت، توانمند سازی) نظریه روانشناسی اجتماعی رابرت دال و مونیل سیمن بر جنبه‌های روانشناختی و روان اجتماعی اشاره نمود). کانینگهام، مشارکت را فرآیندی تعریف می‌کند که در آن افراد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، تمرین قدرت می‌کنند. منطق پشت افزایش مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی اجتماعی، به حداکثر رسیدن مشارکت مستقیم افرادی است که تحت تأثیر تصمیمات گرفته شده قرار می‌گیرند. بسیاری، مشارکت اجتماع محلی را وسیله‌ای برای توسعه نقش دموکراتیک در برنامه ریزی و توسعه محلی می‌دانند. مسائلی مثل این چه کسی مشارکت می‌کند، چه زمان مشارکت می‌کند و چگونه مشارکت می‌کند برای تصمیم‌گیری منصفانه، کارآمد و پایدار بسیار اهمیت دارد. باید به دقت به نکته نظرات مخالف گوش داد تا بهترین تصمیمات گرفته شوند (زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

نظریه توانمندسازی جامعه محلی

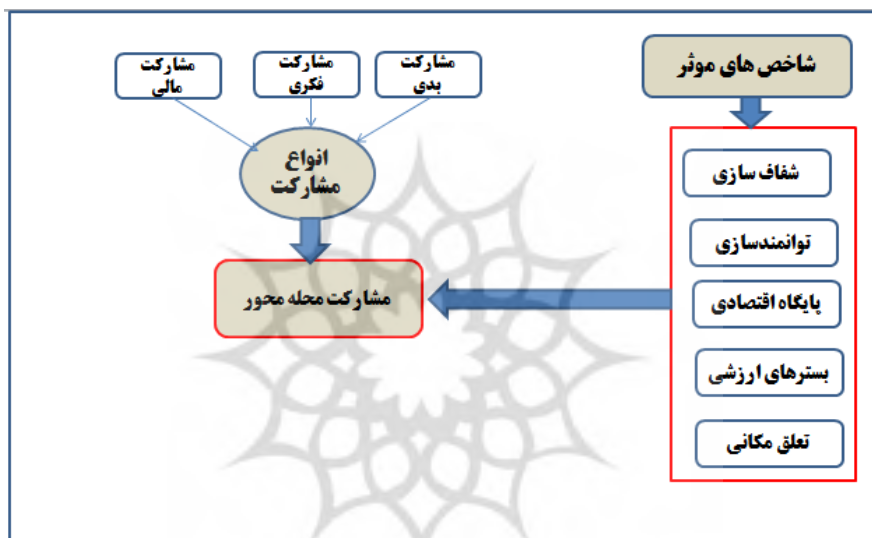
توانمندی سازی جامعه، یک فرایند پویا و فراگیر است. هدف عمده فرایند توانمندسازی، ایجاد تغییرات مناسب در کلیه ابعاد و جوانب زندگی افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و اقشار اجتماعی می‌باشد. توانمندسازی، فرآیند تقسیم‌مقداری از قدرت نیست؛ بلکه فرآیندی است که قدرت نسبی هر فرد به واسطه آن افزایش می‌یابد و قدرت جدیدی برای سازمان ایجاد می‌شود. توانمندسازی، نفوذ مبتنی بر صلاحیت است که باید ایجاد شود. این قدرت، بسیار فراتر از تصور قدرتی است که تقسیم یا تسهیم می‌شود؛ قدرتی نشأت گرفته از این اندیشه که قدرت می‌تواند و باید از راه ارتقای مداوم شایستگی و کاربرد آن ایجاد شود. اصولاً هنگامی که شهروندان، در بهبود وضعیت زندگی شهری نقش داشته باشند و به این نتیجه برسند که این بهبود، نتیجه اقدام و همکاری خود ایشان بوده است، بیش از پیش به

مشارکت ترغیب می‌شوند. بدون شک شهروندانی می‌توانند در مدیریت شهر مشارکت داشته باشند که دارای ظرفیت، قابلیت و توانمندی لازم باشند (میرمحمدی و همکاران ۱۳۹۶: ۹۶).

واژه‌ی مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیر شدن و تجمع برای منظور خاص است. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است، ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست، با پذیرش این جوهره، برخی از صاحب نظران مدیریت، تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده اند: (مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند). به لحاظ موضوعی مشارکت را می‌توان به گونه‌هایی چون، ذهنی و فکری، اقتصادی (مالی)، فیزیکی، سیاسی و اجتماعی تقسیم کرد. در مرتبه نخست و شاید بیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، تنها به کوشش های بدنی (فیزیکی) محدود نمی‌شود، در مشارکت خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی‌های وی و یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روانشناسی است، نه جسمانی (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

مومنی و همکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه دست یافتند که امکان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منجر به افزایش رضایت آنها می‌شود. استلزل و نواینگ (۲۰۱۷) در تحقیق خود نشان داد که از مهمترین عوامل در راستای مشارکت شهروندان، ایجاد دیتابیس‌های مختلف با ارائه اطلاعات گوناگون برای شهروندان است که بتوانند در کوتاه ترین زمان به آنچه که نیاز دارند دسترسی داشته باشند. عمر و همکاران (۲۰۱۷) به این نتیجه دست یافتند که مهمترین عامل تاثیرگذار در مشارکت جوانان در محله‌های شهری، درک مشارکت آنها در برنامه های جامعه و تعامل اجتماعی در فضای باز است. هانگ (۲۰۱۸) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت جهت تشویق مردم به مشارکت در طرح های شهری، ارائه اعتبارات مناسب است. کروز و مارینز (۲۰۱۹) نتیجه گرفتند که مشارکت مردم تحت تاثیر بازخورد مثبت مدیران شهری بوده است. داس و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که اطلاع رسانی، آموزش، مشورت، مشارکت، همکاری و ظرفیت‌سازی در اجرای پروژه ها بسیار مهم هستند. ماتاماندا و چینزوینا (۲۰۲۰) به این نتیجه دست یافتند که مشارکت شهروندان تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارد که به نخبگان سود می‌رسانند در حالی که فقرا را متضرر می‌کنند. لی و همکاران (۲۰۲۰) سه عامل جامعه مدنی، علاقه شخصی، تأثیر اجتماعی به عنوان عوامل مثبت و عامل محدودیت ها به عنوان عامل منفی تاثیرگذار در انگیزه شهروندان جهت مشارکت را ذکر نموده اند. بزی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که با افزایش و تقویت عملکرد شورایاران محلی، میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مرتبط با مدیریت شهری نیز افزایش خواهد یافت. تحقیق شبستر و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که استفاده از تبلیغات و آموزش، بکارگیری افراد محلی در دفاتر تسهیل‌گری نوسازی و برگزاری گردهمایی‌های محله‌ای می‌تواند در راستای بهبود مشارکت موثر باشد. شربتی (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که که رابطه معناداری بین رضایت، اعتماد و آگاهی شهروندان از عملکرد مدیران با متغیر مشارکت وجود دارد. رضایی کوچی (۱۳۹۸) نشان داد که در ارتباط با توسعه شهری، قوی‌ترین اثر مربوط به رابطه بین بازنمایی قدرت شهروندان با میزان موفقیت مدیریت شهری بوده است.

نتیجه کلی تحقیقات نشان می‌دهد که شاخص سرمایه اجتماعی، آموزش، ایجاد نهادهای مردمی، ارائه اطلاعات، ویژگی‌های فردی، تبلیغات و اعتبارات در بهبود مشارکت شهروندان موثر بوده است. در این تحقیق جنبه‌ها یا شاخص‌های مهم دیگری مورد تاکید قرار گرفته است که در راستای تکمیل این مطالعات می‌باشد. نوآوری این تحقیق با تحقیقات گذشته به دو صورت است. اول از نظر روش شناسی که از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. دوم اینکه برخی شاخص‌های مهم از جمله شفاف سازی، توانمندسازی و تعلق مکانی نیز مورد تاکید قرار گرفته شده که در تحقیقات قبلی کمتر مورد توجه بوده است. در حقیقت در این تحقیق دیدگاه حاکم یک دیدگاه عدالت محور و مبتنی بر شاخص‌های توسعه فضایی پایدار و مشارکتی بوده است. با توجه به موضوع تحقیق، شاخص‌های موثر در مشارکت محله محور در یک سو مدل مفهومی قرار می‌گیرند که به عنوان متغیر مستقل، تاثیر آنها روی متغیر مشارکت محله محور به عنوان متغیر وابسته سنجیده شده است. از سوی دیگر برخی متغیرهای دیگر مانند مشارکت‌های یدی، مالی و فرکی نیز در این زمینه نقش مهمی ایفاء می‌نمایند.

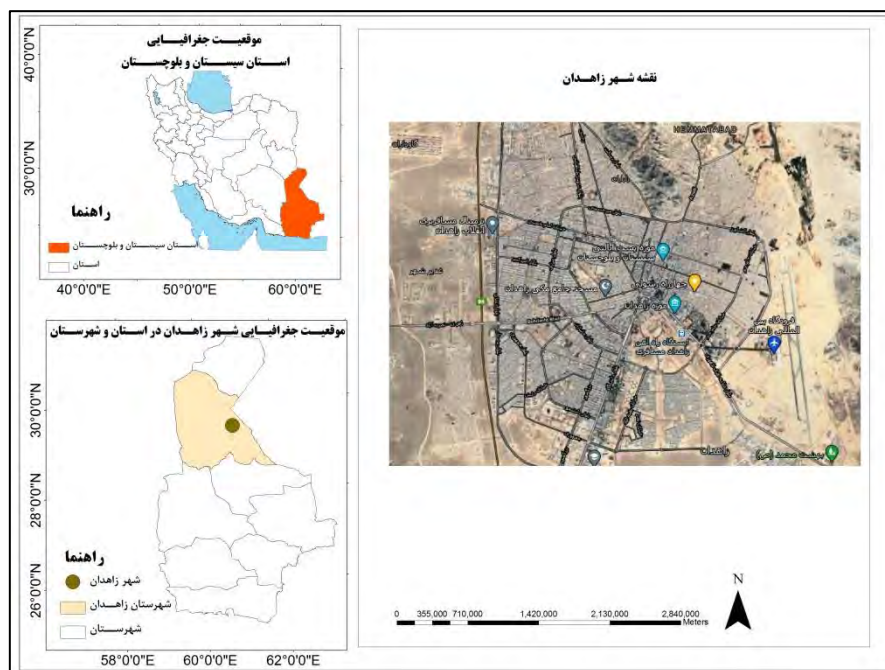


شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

موقعیت منطقه مورد مطالعه

زاهدان یکی از شهرهای ایران و مرکز استان سیستان و بلوچستان است. زاهدان شهری است که در ۵۱۷ کیلومتری شرق شهر کرمان و نیز در نزدیکی کشور پاکستان واقع شده است. این شهر از طریق راه زمینی از سمت شمال به مشهد و از سمت جنوب به چابهار مرتبط شده و همچنین دارای ایستگاه راه آهن و فرودگاه بین‌المللی است. زاهدان از لحاظ مختصات جغرافیایی در ۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۵ ثانیه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه عرض شمالی واقع شده است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر مورد مطالعه

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰

بررسی نقشه توپوگرافی شهر زاهدان بر اساس لایه مکانی این شهر نشان می دهد که این شهر در ارتفاع ۱۰۶۸ تا ۱۴۲۱ متر قرار گرفته است و بنابراین نوع توپوگرافی آن یک دست و مطلوب می باشد. بررسی وضعیت شیب این شهر نیز به همین نکته اشاره دارد. میزان شیب برای این شهر برابر با ۵ تا ۱۰ درصد گزارش می شود. بنابراین بررسی شاخص توپوگرافی و شیب شهر شرایط را برای توسعه شهر فراهم کرده است و متناسب با جهات مختلف می تواند کاربری های مناسب را اجرایی نمود.

بررسی شاخص دمای ماهانه در شهر زاهدان نشان می دهد که کمترین میانگین دمای ماهانه مربوط به ماه دی با $7/4$ درجه سلسیوس و سپس آذرماه با $9/2$ درجه سلسیوس بوده است. همچنین بیشترین دمای ماهانه نیز مربوط به ماه های تیر و مرداد به ترتیب با $30/1$ و $29/2$ درجه سلسیوس بوده است. جدول زیر بیشینه، کمینه و میانگین دمای ماهانه در شهر زاهدان را نشان می دهد.

جمعیت زاهدان برپایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران بالغ بر ۵۸۷۷۳۰ نفر بوده که از این جهت، دوازدهمین شهر پرجمعیت ایران محسوب می شود. این شهر دارای پنج منطقه شهری است.

یافته ها

یافته های توصیفی

بررسی توصیفی متغیر جنس نشان می دهد که ۵۵/۹ درصد نمونه از گروه مردان و ۴۴/۱ درصد نیز از گروه زنان هستند. بر اساس آمار ارائه شده، میانگین سنی نمونه مطالعه شده ۴۵ سال می باشد. بیشترین سطح تحصیلات افراد مربوط به گروه لیسانس با ۳۵/۷ درصد و کمترین مربوط به گروه بیسواد با ۴ درصد می باشد. بررسی نشان می دهد که ۴۰/۱ درصد افراد، بین ۱۱ تا ۱۵ سال اقامت در محله داشته اند و لذا نسبت به محله و تغییرات آن آگاهی و دانش کافی دارند. ۱۹/۳ درصد نمونه بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۲۸ درصد نیز بین ۲۱ تا ۱۰ سال در محله کنونی سکونت داشته اند. ۸/۷ درصد بین ۱ تا ۵ سال و ۴ درصد نیز بین ۲۱ تا ۲۵ سال در

محلله کنونی حضور داشته‌اند. سنجش مشارکت شهروندان در محله نشان می‌دهد که بیش از ۵۲/۲ درصد نمونه میزان مشارکت شهروندان در محله را کم و ۱۶/۱ درصد خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. بر این اساس بیش از ۶۸/۳ درصد نمونه رضایت چندانی از مشارکت نداشته‌اند. ۱۹/۶ درصد گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند. ۸/۱ درصد گزینه مشارکت زیاد و ۴ درصد نیز مشارکت خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند. ۱۲ درصد نمونه نسبت به مشارکت شهروندان رضایت داشته‌اند.

یافته‌های استنباطی

سنجش معناداری نرمال بودن توزیع داده‌ها

در این تحقیق از آزمون کلموگراف اسمیرونوف جهت اینکه مشخص شود توزیع نمونه نرمال بوده یا نه، استفاده شده است. با توجه به اعداد به دست آمده برای معیار تصمیم که معمولاً برابر با عدد ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها نرمال است؛ چرا که همه اعداد به دست آمده در جدول بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد و این نشان دهنده توزیع نرمال شاخص‌ها است. لذا از آزمون‌های پارامتریک‌ای استفاده شده است.

جدول ۲. سنجش معناداری نرمال بودن توزیع داده‌ها

شاخص	کیفیت خدمات شهری	شفاف سازی	توانمندسازی جامعه محلی	پایگاه اقتصادی	بسترهای ارزشی	احساس تعلق مکانی	مشارکت یدی	مشارکت مالی	مشارکت فکری (مشاوره ای)
تعداد	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱
آمار کلموگراف-	۱/۰۹۱	۱/۳۲۴	۱/۰۲۳	۱/۱۳۴	۱/۴۵۶	۱/۷۶۸	۱/۲۳۴	۱/۰۰۹	۱/۶۰۴
معیار تصمیم	۰/۳۲۴	۰/۲۳۴	۰/۱۲۳	۰/۳۲۵	۰/۱۱۲	۰/۱۰۴	۰/۲۳۹	۰/۷۶۸	۰/۱۳۴

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

سنجش شاخص کیفیت خدمات شهری

در این سنجش از آزمون تی تک نمونه ای جهت بررسی شاخص کیفیت خدمات شهری در سطح متغیرها استفاده شده است. بررسی ۵ متغیر قابلیت اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، اطمینان، همدلی و توجه و عوامل ملموس و محسوس نشان می‌دهد که هر ۵ متغیر در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده‌اند. بررسی اختلاف میانگین، آمار تی و دیگر پارامترهای آزمون تایید می‌نماید که از نظر شهروندان، وضعیت این متغیرها ضعیف ارزیابی شده است. در حقیقت شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و مدیران، اعتماد ندارند. از نظر آنها مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و توجه به شهروندان از سوی کارشناسان پایین بوده است. علاوه بر این آزمون شاخص کیفیت خدمات شهری نیز در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد. بررسی اختلاف میانگین آزمون نیز برابر با ۰/۳۳۱-، آمار تی برابر با ۸/۵۴۸- است. لذا تایید می‌گردد که از نظر مردم، کیفیت خدمات شهری، ضعیف هستند و در صورت توجه به این شاخص و متغیرهای آن، امکان مشارکت فراهم می‌شود. توضیح اینکه همین نامناسب بودن و عدم رضایت مندی شهروندان به خدمات شهری، عاملی مهم در کاهش مشارکت شهروندان است.

جدول ۳. سنجش معناداری شاخص کیفیت خدمات شهری از دیدگاه شهروندان با آزمون تی تک نمونه ای

متغیر	t	درجه	سطح	اختلاف از	مبنای آزمون = ۳
		آزادی	معنی‌داری	میانگین	فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد

حد بالا	حد پایین					
-0/327	-0/509	-0/418	۰/۰۰۰	321	-9/002	قابلیت اعتماد
-0/309	-0/483	-0/396	۰/۰۰۰	321	-8/942	پاسخگویی و مسئولیت پذیری
-0/170	-0/338	-0/254	۰/۰۰۰	321	-5/921	اطمینان
-0/180	-0/334	-0/257	۰/۰۰۰	321	-6/536	همدلی و توجه
-0/247	-0/418	-0/332	۰/۰۰۰	321	-7/669	عوامل ملموس و محسوس
-0/255	-0/408	-0/331	۰/۰۰۰	321	-8/548	آزمون کل مقیاس

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

سنجش معناداری شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور

پنج شاخص از نظر تاثیرگذاری بر بهبود مشارکت محله محور از دیدگاه شهروندان بررسی شد. آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد که سطح معناداری برای شاخص شفاف سازی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. اختلاف میانگین برابر با ۰/۵۶۸ و مقدار تی (۱۳/۳۷) و حد بالا و پایین آزمون که مثبت می باشد، تایید می نماید که شاخص شفاف سازی از دیدگاه شهروندان می تواند نقش بسیار مهم و اساسی را در بهبود شاخص مشارکت در سطح محلات داشته باشد. همچنین سطح معناداری محاسبه شده برای شاخص توانمندسازی با مقدار ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ تایید می نماید که شاخص توانمندسازی جامعه محلی نیز از دیدگاه شهروندان می تواند نقش بسیار مهم و اساسی را در بهبود شاخص مشارکت در سطح محلات ایفا نماید. علاوه بر این برای سه شاخص پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی نیز آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد که سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. اختلاف میانگین به ترتیب برابر با ۰/۵۷۳، ۰/۴۸۱ و ۰/۵۸۳ تایید می نماید که این سه شاخص نیز در در ارتقای شاخص مشارکت می توانند نقش مهمی ایفا نمایند.

جدول ۴: سنجش معناداری تاثیر شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور با آزمون تی تک نمونه ای

حد بالا		حد پایین		مبنای آزمون = ۳		ت		گویه	
حد بالا	حد پایین	اختلاف از میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	درجه آزادی	ت	گویه	
0/651	0/484	0/568	۰/۰۰۰	321	13/373	321	13/373	شفاف سازی	
0/650	0/458	0/554	۰/۰۰۰	321	11/380	321	11/380	توانمندسازی جامعه محلی	
0/665	0/481	0/573	۰/۰۰۰	321	12/257	321	12/257	پایگاه اقتصادی	
0/578	0/383	0/481	۰/۰۰۰	321	9/670	321	9/670	بسترهای ارزشی	
0/665	0/500	0/583	۰/۰۰۰	321	13/914	321	13/914	احساس تعلق مکانی	

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

سنجش معناداری تاثیر انواع مشارکت در بهبود مشارکت محله محور

بررسی آزمون تی تک نمونه ای در زمینه شاخص انواع مشارکت نشان می دهد که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برای تمامی مشارکت های یدی، مالی و فکری است. بررسی جهت معناداری بر اساس پارامتر اختلاف میانگین و آماره تی که مثبت می باشند، نشان می دهد که مشارکت های یدی (اختلاف میانگین ۰/۵۱۰)، مالی (اختلاف میانگین ۰/۶۱۱) و فکری (اختلاف میانگین ۰/۴۸۶) تاثیر زیادی می توانند در بهبود مشارکت محله محور و ارتقاء کیفیت خدمات شهری داشته باشند؛ چرا که این اختلاف میانگین گویای این نکته است که میانگین مشارکت ها بیشتر از مقدار ملاک آزمون (۳) بوده و لذا متغیرهای ذکر شده در بهبود مشارکت از دیدگاه شهروندان موثر هستند. مشارکت شهروندان از روش های مختلف، مزایای متنوعی دارد، که در صورت توجه و تاکید بیشتر، به توسعه پایدار شهری نیز می انجامد؛ چرا که بخشی از توسعه پایداری شهری، نتیجه مشارکت مردم به روش های مختلف است.

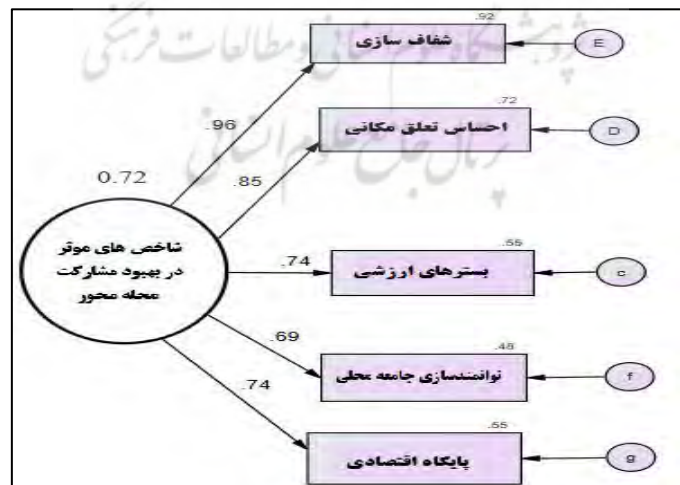
جدول ۵. سنجش معناداری تاثیر انواع مشارکت در بهبود مشارکت محله محور با آزمون تی تک نمونه ای

مبنای آزمون = ۳						متغیر
t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف از میانگین	فاصله اطمینان در سطح	حد پایین	حد بالا
321	13/127	۰/۰۰۰	0/510	0/434	0/586	0/586
321	14/135	۰/۰۰۰	0/611	0/526	0/696	0/696
321	9/609	۰/۰۰۰	0/486	0/386	0/585	0/585

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

سنجش اهمیت و تاثیر گذاری شاخص ها بر بهبود مشارکت محله محور با معادلات ساختاری

از مدلسازی معادلات ساختاری برای بررسی و سنجش اهمیت و تاثیرگذاری شاخص های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور استفاده شده است. در حقیقت با استفاده از مدلسازی مشخص می شود که این شاخص های می توانند در بهبود مشارکت محله محور موثر باشند یا نه؟ با استفاده از نرم افزار AMOS، ابتدا مدل تحلیلی عاملی تاییدی مرتبه اول مربوط به شاخص های ترسیم شد و اعتبارسنجی آنها انجام شد. بارهای عاملی مربوط به شاخص های مدل مذکور بالاتر از ۰/۳ بوده و نشانگر وضعیت قابل قبول شاخص های قرار گرفته در مدل می باشد. در واقع بررسی وضعیت برازش مدل نقش شاخص های پنجگانه در بهبود مشارکت محله محور با مقادیر مدل مذکور از اعتبار و دقت لازم برخوردار بوده و توانسته است نقش این شاخص های پنجگانه در بهبود مشارکت محله محور را تبیین نماید (جدول ۶). تمامی شاخص ها با مقادیر پیشنهادی و استاندارد مطابقت دارند. میزان بار عاملی ۵ شاخص بررسی شده برابر با ۰/۷۲ است و این از تاثیرگذاری و نقش آفرینی شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور اشاره دارد.



شکل ۳. مدل نهایی معادله ساختاری نقش شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور، منبع:

نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۶. شاخص های ارزیابی کلیت مدل نقش شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور

شاخص	CMIN	DF	CMIN/DF	CFI	RMSEA	HOELTER	RMR	GFI	NFI	PRATIO
مدل نهایی	۱۹/۳۲۱	۶	۴/۲۳۱	۰/۹۶۱	۰/۰۷۰	۱۳۴	۰/۰۳۹	۰/۹۴۲	۰/۹۷۲	۰/۳۰۲
مقادیر پیشنهادی	-	-	-	>۰/۹	<۰/۰۸	>۷۵	≈ ۰	>۰/۹	>۰/۹	۰-۱

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

پس از بررسی برازش کلیت مدل نقش شاخص های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور، اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. همان طور که مشاهده می شود (جدول ۷)، نقش شاخص های ذکر شده در بهبود مشارکت محله محور در میان پاسخگویان در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. بالاتر بودن نسبت بحرانی برآورد شده از مقدار ۲/۵۸ (نسبت بحرانی بالاتر از ۲/۵۸ نشانگر معناداری اثر می باشد)، نیز نشان دهنده معناداری اثر متغیر مستقل پژوهش (شاخص های ذکر شده) بر متغیر وابسته (مشارکت محله محور) می باشد. در مجموع می توان چنین عنوان کرد که شاخص های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور می توانند موثر است. بررسی میزان نقش شاخص های پنجگانه در بهبود مشارکت نشان می دهد مقدار اثر کل ۰/۷۰ بوده و در مجموع شاخص های بررسی شده می تواند حدود ۰/۷۰ درصد واریانس، نقش آفرینی و تاثیرات مثبت در بهبود مشارکت را تبیین نماید. بر اساس نتایج این مدل بیشترین تاثیرگذاری مربوط به شاخص شفاف سازی با تبیین ۰/۱۹ است. شاخص توانمندسازی توان تبیین ۰/۱۱، پایگاه اقتصادی توان تبیین ۰/۱۲، بسترهای ارزشی توان تبیین ۰/۱۳ و احساس تعلق مکانی نیز توان تبیین ۰/۱۵ را در زمینه بهبود مشارکت محله محور دارا است.

جدول ۷. برآورد استاندارد، غیر استاندارد و نقش شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور

متغیر مستقل	متغیر وابسته	برآورد		نسبت بحرانی	اثر کل	ضرب تعیین R ²	سطح معناداری
		استاندارد	غیر استاندارد				
شفاف سازی	مشارکت محله	۰/۷۶۵	۰/۶۸۹	۹/۳۸۷	۰/۱۹	۰/۴۹	۰/۰۰۰
توانمندسازی	محور	۰/۶۵۷	۰/۴۵۶	۷/۶۵۷	۰/۱۱	۰/۴۱	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی		۰/۴۳۵	۰/۵۶۷	۹/۰۹۸	۰/۱۲	۰/۳۹	۰/۰۰۳
بسترهای ارزشی		۰/۶۷۸	۰/۷۱۳	۸/۱۴۳	۰/۱۳	۰/۳۹	۰/۰۰۱
احساس تعلق مکانی		۰/۹۷۱	۰/۶۱۲	۷/۲۱۳	۰/۱۵	۰/۴۵	۰/۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

بررسی تفاوت معناداری مناطق شهر زاهدان از شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور

برای بررسی تفاوت معناداری مناطق شهر زاهدان از نظر شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور از آزمون آنووا استفاده شد تا مشخص شود که مناطق شهر زاهدان تفاوت معناداری در این زمینه ها با همدیگر دارند یا نه. با تاکید بر نتایج به دست آمده در جدول (۸)، می توان اینگونه نتیجه گرفت که هر پنج منطقه شهر زاهدان با توجه به سطح معناداری به دست آمده در زمینه شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور از دیدگاه شهروندان در مناطق ۵ گانه دارای وضعیت یکسانی نیستند و پنج منطقه شهری متفاوت هستند. در واقع حداقل یکی از این مناطق با چهار

منطقه دیگر تفاوت دارد. لذا می‌توان عنوان نمود که اختلافات بین مناطق در این زمینه احتمالاً برحسب تصادف نیست. یعنی شاخص مستقل بر روی شاخص های وابسته مورد مطالعه دارای اثری می‌باشند که چنین شرایطی را برای این پنج منطقه فراهم کرده است. لذا مشخص می‌گردد که اثر کلی F برای عوامل مستقل گروه‌بندی شده بین آزمودنی‌های پنج منطقه با شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور معنادار است. بنابراین تفاوت معنادار بودن خدمات شهری در ۵ منطقه شهر زاهدان تایید شده و عدم اختلاف معناداری رد می‌گردد. جدول (۸)، نتایج تحلیلی و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برای هر کدام از مولفه‌ها را بخوبی نشان می‌دهد.

جدول ۸. ارزیابی تفاوت معناداری مناطق از نظر شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور (آزمون

آنووا)

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	واریانس	شاخص
0/000	20/651	9/635	۴	38/539	بین گروهی	شفاف سازی
		0/467	۳۱۷	147/897	درون گروهی	
		***	۳۲۱	186/436	مجموع	
0/000	17/778	11/228	۴	44/913	بین گروهی	توانمندسازی جامعه محلی
		0/632	۳۱۷	200/211	درون گروهی	
		***	۳۲۱	245/124	مجموع	
0/000	12/015	7/434	۴	29/736	بین گروهی	پایگاه اقتصادی
		0/619	۳۱۷	196/132	درون گروهی	
		***	۳۲۱	225/868	مجموع	
0/000	9/732	6/979	۴	27/916	بین گروهی	بسترهای ارزشی
		0/717	۳۱۷	227/337	درون گروهی	
		***	۳۲۱	255/254	مجموع	
0/001	4/865	2/619	۴	10/477	بین گروهی	احساس تعلق مکانی
		0/538	۳۱۷	170/687	درون گروهی	
		***	۳۲۱	181/164	مجموع	

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

پس از مشخص شدن تفاوت شاخص های موثر در مشارکت محله محور در سطح مناطق شهری، از آزمون دانکن نیز برای بررسی وجود این اختلافات استفاده شد. از نظر شاخص شفاف سازی بیشترین میانگین مربوط به منطقه پنج با میانگین ۳/۹۰ و کمترین مربوط به منطقه سه با میانگین ۳/۰۴ است. در زمینه شاخص توانمندسازی جامعه محلی نیز بیشترین میانگین منطقه پنج با ۴/۱۰ و کمترین مربوط به منطقه یک با ۳/۰۷ است. برای شاخص پایگاه اقتصادی، حداکثر میانگین برای منطقه دو با ۴/۰۲ و حداقل میانگین برای منطقه سه با ۳/۱۵ است. برای شاخص بسترهای ارزشی نیز بیشترین میانگین مربوط به منطقه پنج با ۳/۷۸ و کمترین مربوط به منطقه سه با ۲/۹۶ است. در زمینه شاخص احساس تعلق مکان نیز منطقه دو با ۳/۹۲ بیشترین میانگین و کمترین نیز مربوط به منطقه ۳/۴۴ با منطقه است.

جدول ۹. اختلافات مناطق شهری از نظر شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور (آزمون دانکن)

معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵					منطقه شهری
تعداد نمونه	شفاف سازی	توانمندسازی	پایگاه اقتصادی	بسترهای ارزشی	احساس تعلق مکانی

منطقه یک	۶۸	۳/۲۷	۳/۰۷	۳/۵۵	۳/۳۷	۳/۶۰
منطقه دو	۶۴	۳/۷۷	۳/۶۷	۴/۰۲	۳/۷۱	۳/۹۲
منطقه سه	۶۴	۳/۰۴	۳/۲۱	۳/۱۵	۲/۹۶	۳/۴۴
منطقه چهار	۶۳	۳/۸۶	۳/۷۳	۳/۳۶	۳/۵۸	۳/۴۵
منطقه پنج	۶۳	۳/۹۰	۴/۱۰	۳/۷۶	۳/۷۸	۳/۴۶

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۰

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در فرآیند تبدیل شدن ساکنین شهر به شهروندان، آگاهی و مشارکت نقش مهمی را ایفا می‌کنند و روند بلوغ فرهنگ شهروندی در این راستا شکل می‌گیرد. مشارکت شهروندان کلید اصلی مدیریت موفق شهری است و برای آنکه مشارکت شهروندان دارای تاثیرگذاری صحیح باشد لازم است شهروندان در همه‌ی مراحل برنامه‌ریزی، طراحی و ارزیابی برنامه‌ها با پروژه‌های شهری درگیر شوند. توفیق کامل یک پروژه شهری بعضاً متناسب با میزان مشارکت ذینفعان آن پروژه یعنی شهروندان می‌باشد.

این تحقیق به بررسی تاثیرگذاری شاخص‌های مختلف در بهبود مشارکت محله محور و ارتقای کیفیت خدمات شهری پرداخته است. سنجش شاخص کیفیت خدمات شهری در سطح متغیرها تایید می‌نماید که ۵ متغیر قابلیت اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، اطمینان، همدلی و توجه و عوامل ملموس و محسوس، از نظر شهروندان، ضعیف هستند. در حقیقت شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و مدیران، اعتماد ندارند. از نظر آنها مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و توجه به شهروندان از سوی کارشناسان پایین بوده است. بنابراین شهروندان نسبت به کیفیت خدمات شهری با توجه به متغیرهای ذکر شده، رضایت مناسبی ندارد و از نظر آنها کیفیت خدمات ارائه شده در زمینه‌های مختلف ضعیف است. همین نامناسب بودن و عدم رضایت مندی شهروندان به خدمات شهری، عاملی مهم در کاهش مشارکت شهروندان است.

نتایج گویای این است که شاخص‌های احساس تعلق مکانی، شفاف‌سازی در عرصه‌های مختلف، توانمندسازی جامعه محلی به روش‌ها مختلف، پایگاه اقتصادی فردی و اجتماعی و همچنین بسترهای ارزشی در بهبود مشارکت محله محور جهت ارتقاء کیفیت خدمات شهری نقش دارند. این تاثیرگذاری از طریق روش‌های و رویکردهای مختلف قابل تحقق است. در این زمینه شاخص احساس تعلق مکانی نقش مهمی در زمینه بهبود مشارکت مردم دارد و در حقیقت هنوز هم ریشه‌های فرهنگی و فردی در هر محله تاثیر زیادی دارد. علاوه بر این شفاف‌سازی نیز از دیگر شاخص‌هایی است که با تاکید بر آن می‌توان به بهبود مشارکت محله محور کمک نمود. نتیجه این بخش از تحقیق با تحقیقات مومنی و همکاران (۲۰۱۱)، نواینگ (۲۰۱۷)، داس و همکاران (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۲۰)، شربت‌ی (۱۳۹۷) که بر شاخص‌هایی مختلفی مانند درک مدیران نسبت به نیازهای شهروندان، اعتماد، شفاف‌سازی عملکرد، توانمندسازی، اطلاع‌رسانی، آموزش، مشورت، ظرفیت‌سازی، درک جایگاه شهروندان و آداب و ارزش‌ها تاکید دارند، همخوانی دارد.

همچنین مشارکت‌های یدی، مالی و فکری تاثیر زیادی در بهبود مشارکت محله محور و ارتقاء کیفیت خدمات شهری دارد؛ این مطلب را بررسی دیدگاه شهروندان نسبت به انواع مشارکت نشان می‌دهد. بنابراین مشارکت شهروندان در صورت توجه و تاکید بیشتر، به توسعه پایدار شهری می‌انجامد. عمر و همکاران (۲۰۱۷) و هانگ (۲۰۱۸)، شبستر و همکاران (۱۳۹۷) و رضایی

کوچی (۱۳۹۸) نیز تاکید می‌نماید که مشارکت شهروندان به روش‌های مختلف از جمله حمایت‌های مالی، حمایت مشورتی در تصمیم‌گیری‌ها (فکری)، ایجاد دفاتر تسهیل‌گری (فکری) و دخیل نمودن آنها در طرح‌ها، می‌تواند به بهبود مشارکت در سطح محلات شهری منجر شود. بنابراین نتایج این بخش از تحقیق با تحقیقات ذکر شده همپوشانی دارد.

با توجه به اینکه میان مناطق شهری نیز تفاوت معناداری از نظر خدمات و کیفیت آنها وجود دارد، بایستی نوع رویکرد برنامه‌ریزی شهر تغییر پیدا کند و به سمتی پیش رود که روش‌های مبتنی بر مشارکت مورد تاکید باشد؛ چرا که در عصر حاضر بایستی پذیرفت، بدون مشارکت شهروندان در عرصه‌های مختلف، امکان توسعه شاخص‌های گوناگون وجود ندارد و یا اینکه در ادامه، با مشکلاتی مختلفی روبه‌رو می‌شویم. از این رو برای ارتقاء جایگاه مشارکت شهروندان به صورت محله‌محوری و ارتقای کیفیت خدمات شهری، توزیع مبتنی بر عدالت در ارائه خدمات شهری مورد تاکید باشد. همچنین شاخص‌های تاثیرگذار در بهبود مشارکت محله‌محور که در این پژوهش اشاره شد، مورد تاکید قرار گیرد. اجرای چنین شاخص‌هایی در برنامه‌ریزی محله‌محور، نیازمند تغییر رویکرد در برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزان شهر مورد مطالعه دارد.

نوآوری این تحقیق با تحقیقات گذشته به دو صورت است. اول از نظر روش‌شناسی که از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. دوم اینکه برخی شاخص‌های مهم از جمله شفاف‌سازی، توانمندسازی و تعلق مکانی نیز مورد تاکید بوده است که در تحقیقات قبلی کمتر مورد توجه بوده است. در حقیقت در این تحقیق دیدگاه حاکم یک دیدگاه عدالت‌محور و مبتنی بر توسعه فضایی پایدار و مشارکتی بوده است.

پیشنهادات:

- برگزاری جلسات متعدد مدیران با مردم در زمانهای مشخص و احترام به آراء، نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و اعمال خواسته‌های آنها جهت بالابردن حس اعتماد و در نتیجه بالارفتن تمایل مشارکت در امور شهری
- توسعه شوراهای محلی در سطح مناطق و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها، زیرا عضویت مردم در این شوراها آگاهی آنان را در رابطه با مسائل شهری افزایش می‌دهد.
- با توجه به کم بودن اطلاعات مردم در موضوع مدیریت شهری، بنابراین نهاد‌های شهری و مسئولین مربوطه با توسل به شیوه‌های متعدد اطلاع‌رسانی زمینه افزایش آگاهی مردم در امورات مربوط به مدیریت شهری را فراهم نموده‌اند.
- با توجه به نتیجه تحقیق، شاخص شفاف‌سازی در عرصه‌های مختلفی اداری و سازمانی مورد تاکید باشد تا شهروندان نسبت به موضوعات مختلف دانش و آگاهی کافی داشته باشند. از این رو شفافیت بودجه (هزینه و درآمدهای شهرداری)، شفافیت نسبت به پروژه‌های عمرانی، شفافیت نسبت به عملکرد مدیران و غیره مهم است.
- با توجه به نتیجه این تحقیق مبنی بر اهمیت شاخص احساس تعلق مکانی در مشارکت مردم، پیشنهاد می‌شود که در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها در سطح محلات شهر زاهدان، این موضوع به صورت جدی مورد لحاظ قرار گیرد و از ظرفیت‌های موجود استفاده شود.

منابع

آروین، محمود، فرهادی‌خواه، حسین، پوراحمد، احمد، (۱۳۹۶)، بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۹ شهر تهران)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۸(۲۹)، صص ۳۳-۵۱.

- اسکندری ثانی، محمد، سجادی، ژیلا، صرافی، مظفر، (۱۳۹۳)، ظرفیت توسعه اجتماعات محلی در کاهش فقر شهری و عوامل موثر بر توسعه آن مورد شناسی: نعمت‌آباد تهران (محلات جنوبی شهر تهران)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۴(۱۵)، صص ۱-۲۱.
- بزی، خدارحم، میرکتولی، جعفر، زایدلی، حاجی سلطان، (۱۳۹۶)، ارزیابی نقش و تأثیر شوراباران محلی بر افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری محله محور مطالعه‌ی موردی: شهر گرگان، مجله جغرافیا و توسعه، ۱۵(۴۶)، صص ۱۴۷-۱۶۸.
- رضایی کوچی، محمود، (۱۳۹۸)، بررسی نقش مشارکت شهروندان در افزایش موفقیت مدیریت شهری مورد: کلانشهر شیراز، مجله برنامه-ریزی شهری، ۱۰(۳۸)، صص ۵۱-۶۲.
- رضایی، محمدرضا، نگین‌ناجی، سوده، (۱۳۹۴)، بررسی راهکارهای موثر در ایجاد محله پایدار با رویکرد مشارکتی (مطالعه موردی: محله راهنمایی یاسوج)، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۰)، صص ۶۹-۸۲.
- زارع، الهام، فرامرزی اصل، مهسا، عباسی پارام، الناز، (۱۳۹۹)، بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها، مجله معماری شهر پایدار، ۸(۱)، صص ۱۰۱-۱۱۷.
- شایان، حمید؛ جلالیان، حمید؛ تقیلو، علی اکبر؛ خسرو بیگی، رضا؛ غنابستانی، علی اکبر، (۱۳۹۱)، تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت روستائیان در توسعه‌ی نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرستان ایجرود- استان زنجان)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۴(۱۲)، صص ۲۵-۴۵.
- شبستر، محسن، فلاح حیدری، فاطمه، مرادی، زهرا، (۱۳۹۷)، الزامات مشارکت جویی و مشارکت پذیری در فرآیند ساماندهی بافت های فرسوده شهری از نظر جامعه محلی، مورد مطالعه: شهر قم، جغرافیایی سرزمین، ۱۵(۵۹)، صص ۱۱۵-۱۳۳.
- شربت، اکبر، (۱۳۹۷)، میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد)، مجله آمایش محیط، ۱۱(۴۱)، صص ۱۶۱-۱۸۳.
- شریف‌زاده، فتاح، صادقی، جواد، (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مجله مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۱۹(۵۹)، صص ۴۷-۷۰.
- عبدالهی، مجید، صرافی، مظفر، توکلی‌نیا، جمیله، (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۲(۲)، صص ۸۳-۱۰۲.
- غنابستانی علی اکبر، خسروبیگی رضا، تقیلو، علی اکبر، زارعی، ابوالفضل، (۱۳۹۲)، بررسی الگوی فضایی - مکانی عاملیت های موثر بر نهادینه شدن مشارکت مردم در نواحی روستایی بخش جعفر آباد، شهرستان قم، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۳۱)، صص ۷-۲۷.
- غفاری گیلانده، عطا، موسی‌زاده، چیمین، آهنگری، نوید، (۱۳۹۳)، سطح بندی مشارکت‌های شهروندی محله مدار در نظام مدیریت شهری (مورد شهر بوکان)، مجله اقتصاد و مدیریت شهری، ۷(۲)، صص ۸۱-۹۹.
- قیصری، نورالله، (۱۳۹۸)، مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا، ۴(۱۱)، صص ۳۱-۵۹.
- لطیفی، غلامرضا، سعادت، الهام، سویزی، امیر، (۱۳۹۳)، تدوین الگوی مدیریت محله محور با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: محلات مسجد الزهرا، ۱۵ خرداد و نظامی، شهر زرین شهر اصفهان)، اولین همایش ملی در جستجوی شهر فردا "واکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر اسلامی - ایرانی، تهران.
- ماجدی، حمید، دشتکی، نجمه، (۱۳۹۳)، بررسی اثرات مدیریت محله محور بر روی اعتماد شهروندان به مدیریت شهری، مجله هویت شهر، ۳۲(۱۱)، صص ۹۳-۱۰۴.

- محمدی ناصر، مجتبی زاده خانقاهی حسین، توکلان علی، (۱۴۰۰)، تحلیلی بر حکمروایی شهری مبتنی بر ارائه الگوی بهینه (مطالعه موردی شهر گرمدره)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۱ (۶۳)، صص ۳۶۱-۳۸۰.
- موسایی، میثم، شیانی، ملیحه، (۱۳۸۹)، مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، صص ۲۴۵-۲۶۸.
- میرمحمدی، سید محمد، حسین‌پور، داود؛ قاسمی بنابری، حمیدرضا، (۱۳۹۶). عوامل کلیدی موفقیت توانمندسازی کارکنان، نشریه مطالعات مدیریت، ۲۵ (۸۳)، صص ۹۳-۱۱۴.
- نوریان، فرشاد؛ مظفری پور، نجمه. (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تأکید بر شاخصه های سرمایه اجتماعی مورد پژوهی: محلات ۷ گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران، نشریه هنرهای زیبا، ۱۸ (۴)، صص ۴۷-۵۶.

Balioune-Lutza M. (2011). Trust-based social capital, institutions, and development, *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), PP 335-346.

Campbell, E.J.R., Henly, D., Elliott, S., Irwin, K. (2009). Subjective constructions of neighborhood boundaries: lessons from a qualitative study of four neighborhoods, *Journal of Urban Affairs*, 31, PP 461-490.

Cruz, R.B., Marins, K.R. (2019). Urban planning and popular participation: A diagnosis of the effectiveness of participatory processes applied to the revision of São Paulo master plan, *Habitat International*, 88, PP 21-39.

Das, R., Laishram, B., Jawed, M. (2019). Public participation in urban water supply projects – The case of South-West Guwahati, India, *Water Research*, 165(4), PP 41-57.

Diyanah Inani Azmi and Hafazah Abdul Karim, (2012), Implications of Walkability towards Promoting Sustainable Urban Neighbourhood. *AcE-Bs 2012 Bangkok ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies*, Bangkok, Thailand, *Social and Behavioral Sciences* 50 (2012), PP 204-213.

Erkip, F. (1997). The distribution of urban public services: the case of parks and recreational services in Ankara, *Cities*, 14(6), PP 353-361.

Hong, Y. (2018). Resident participation in urban renewal: Focused on Sewoon Renewal Promotion Project and Kwun Tong Town Centre Project, *Frontiers of Architectural Research*, 7(2), PP 197-210.

Huang, H. (2020). Learning from exploratory rural practices of the Yangtze River Delta in China: New initiatives, networks and empowerment shifts, and sustainability, *Journal of Rural Studies*, 77(2), PP 63-74.

Li, W., Feng, T., Timmermans, H., Li, Z., Zhang, M., Li, B. (2020). Analysis of citizens' motivation and participation intention in urban planning, *Journal of Cities*, 106(4), PP 54-68.

Matamanda, A., Chinozvina, Q. (2020). Driving Forces of Citizen Participation in Urban Development Practice in Harare, Zimbabwe, *Land Use Policy*, 99(4), PP 43-57.

Momeni, M., Shamskooshki, H., Javadian, M. (2011). Application of Neighborhoods Council Associations in Sustainable Urban Management Based on Citizen Participation, *Procedia Engineering*, 21, PP 65-71.

Omar, D., Omar, K.F., Othman, S., Yusoff, Z.M. (2017). Youth Participation in Urban Neighbourhood Community, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 234(4), PP 309-316.

Stelzle, B., Noenning, J.R. (2017). A Database for Participation Methods in Urban Development, *Procedia Computer Science*, 112, PP 416-2425.

Wang, W. (2008). Rural management, The Way Out for Tibetan Rural Areas, *Journal of the Washington Institute of China Studies*, 3(3), PP 75-84.